



## تفسیرپذیری ایمان و نقش آن در جهت‌گیری‌های الهیات عملی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

سیده شیما انوشه<sup>۱</sup>

احمد کریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

«ایمان» به عنوان یکی از مهم‌ترین همراهان تاریخ زندگی آدمی، اگرچه در جوامع همگون ایمانی عاملی برای زیستی مسالمت‌آمیز محسوب می‌شود، با بروز اختلافات تفسیری از آن، به دلیلی برای ایجاد خشونت‌ورزی میان افراد بدل می‌گردد. این تا جایی است که حتی برخی از آتش‌افروزی‌های بزرگ تاریخ ریشه در عدم پذیرش و تحمل افراد از تفاسیر ایمانی یکدیگر داشته است. درک بُعدی از مسئله ایمان که آن را برخوردار از «قابلیت تفسیرپذیری» می‌داند و بیان می‌کند که شرایط و موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و حتی طبیعی و تاریخی بر برداشت انسان‌ها از ایمان اثر می‌گذارد، به ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر و تحمل بالاتر افراد نسبت به یکدیگر در سطح جامعه کمک شایانی می‌کند. این چیزی است که در آموزه‌های دینی اسلام نیز بدان پرداخته شده و جامعه اسلامی را، به رغم تفاوت‌های ظرفیتی افراد در پذیرش و تجلی ایمان، همواره به برادری و اخوت تشویق کرده و افراد را از تحمیل بار گران‌تر بر دوش افرادی با گنجایش ایمانی محدودتر نهی کرده است. از این رو مقاله حاضر می‌کوشد، با بهره‌گیری از شواهد قرآنی-روایی، برخوردارای ایمان از قابلیت تفسیرپذیری را تبیین نماید و روشن سازد که از یک سو، با توجه به «تدرج ایمان»، وجود تفاسیر گوناگون از آن در جامعه اجتناب‌ناپذیر است، و از سوی دیگر دست‌یابی به اصل مهم برادری و اخوت در جامعه در پرتو درک این ویژگی ایمان و افزایش انعطاف و تحمل افراد از برداشت‌های ایمانی یکدیگر رخ خواهد داد. این در نهایت به برقراری زیستی مسالمت‌آمیز و همدلانه و به دور از خشونت در میان افراد منتهی خواهد شد.

### کلیدواژه‌ها

ایمان، تفسیرپذیری ایمان، اخوت، تدرج ایمان، الهیات عملی

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

(sh.anoosheh@gmail.com)

۲. دانشیار گروه کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. (ahmad.karimi@gmail.com)



## **Interpretability of Faith and Its Role in Practical Theology Orientations**

**Seyyedeh Shima Anoosheh<sup>1</sup>**

Reception Date: 2022/02/24

**Ahmad Karimi<sup>2</sup>**

Acceptance Date: 2022/05/05

### **Abstract**

"Faith", as one of the most important companions in human history, is a factor in creating homogeneous religious communities, but at the same time, with the emergence of interpretive disagreements, it becomes a cause of conflict among individuals. Even some of the greatest battles in history are the result of people rejecting their counterpart religious interpretations. By introducing an understanding of faith that considers it to be interpretable and states that different social, cultural, and even natural and historical circumstances and situations influence individual perceptions of faith, we can help increase tolerance and flexibility in society. The religious teachings of Islam, despite differences in individuals' capacities for accepting and expressing faith, have always encouraged brotherhood and forbade individuals from imposing heavier burdens on those with less capacity. By using Scriptural evidence, this article attempts to prove that faith is interpretable. Consequently, the article clarifies that, on the one hand, due to the "gradation of faith", there are multiple interpretations of it in society and, on the other hand, achieving the important principle of brotherhood will depend on understanding this aspect of faith and promoting individuals' flexibility and tolerance. It will allow individuals to live peacefully and empathically, free from violence.

### **Keywords**

Faith, Interpretability of Faith, Brotherhood, Gradation of Faith, Practical Theology

---

1. Ph.D. Student of the Kalam of Imamites, The University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

(Corresponding Author) (sh.anoosheh@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of Kalam, The University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

(ahmad.karimi@gmail.com)

## ۱. مقدمه

ایمان در معنای عام خود، یعنی «معرفت و باور درونی و قلبی»، با تجلیاتی در حوزه اخلاق و عمل و عقیده همراه است. وجود شدت و ضعف یا قلت و کثرت و حتی خلوص در این سه حوزه نشان از «تدرج» آنها دارد. در این معنا، افراد بر حسب عوامل بیرونی یا درونی در رتبه‌ای از اخلاق و عمل و عقیده قرار می‌گیرند، و بنا بر وجود رابطه میان درجات این حوزه‌ها و ایمان، می‌توان گفت هر فرد از درجه ایمانی ویژه‌ای برخوردار است (نک. فیض کاشانی ۱۴۰۶، ۴: ۱۲۹).

از سوی دیگر، اثبات وجود «تدرج» در مسئله ایمان آن را از نوعی قابلیت تفسیرپذیری بهره‌مند می‌سازد. زیرا مؤمنان بر مبنای درجه ایمانی خود هر یک به ارائه برداشت و تفسیر خاصی از ایمان می‌پردازند و از همین زاویه رفتار خود را توجیه می‌کنند. بدین ترتیب، پای‌بندی به برخی رفتارها می‌تواند برخاسته از درک و برداشتی باشد که آنها از ایمان دارند.

ارائه رویکرد دینی نسبت به برداشت‌های گوناگون از ایمان نیازمند پاسخ به دو سؤال اساسی است که مقاله حاضر به آنها می‌پردازد: اولاً، بر مبنای شواهد و مستندات دینی، چگونه می‌توان ایمان را تفسیرپذیر دانست؟ ثانیاً، درک تفاوت برداشت‌ها از ایمان چگونه به ایجاد زیستی برادرانه کمک خواهد کرد؟ به عبارت دیگر، برای داشتن زندگی مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت - که می‌تواند از جمله اهداف «الهیات عملی» نیز به شمار آید- به معرفی دریچه‌ای از نگرش دینی در مسئله ایمان می‌پردازیم، که در آن اگرچه نسبت به عنصر «حقانیت» مسامحه صورت نمی‌گیرد، در عین حال، به دلیل وجود تفاوت در ظرفیت و استعداد افراد، همگی با یک سنجه مورد قضاوت قرار نمی‌گیرند و تکلیف هر شخص بر اساس ظرفیت وجودی و درجه‌ای از ایمان که در وجود اوست دیده می‌شود. این به ایجاد تحمل بیشتر در افراد نسبت به رفتارهای یکدیگر منتهی خواهد شد و با برقراری روح برادری در جامعه سازگاری بیشتری خواهد داشت.

## ۲. تدرج ایمان در آیات و روایات

نگاهی به عملکرد افراد در جامعه مؤمنان گواه این است که هر یک در نقطه مشخصی از «بازه یا گستره ایمان» قرار دارند. پای‌بندی عده‌ای به رعایت همه‌جانبه قوانین دینی و سهل‌انگاری عده‌ای دیگر در عمل به برخی تکالیف شرعی، یا بروز رفتارهای دینی - هرچند کوچک- مبتنی بر اعتقاد در موقعیت‌های اجتماعی غیردینی از برخی افراد و در

عین حال قرارگیری همه آنها در زمره «مؤمنان» حاکی از ماهیت «طیفی» ایمان است. می‌توان برای این نکته شواهد متعددی از آیات و روایات نیز ارائه کرد.

قرآن کریم ماهیت ایمان را «ازدیادپذیر» می‌داند و گاه به عوامل مؤثر در افزایش ایمان اشاره می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ: أَنْ مَوْمِنَانِي كَهْ چُونِ مَرْدَمِ (مَنَافِقِ) بَهْ أَنَهَا كُفْتَنَد: لَشْكْرِي بَسِيَارِ عَلِيَهْ شَمَا مَوْمِنَانِ فَرَاهِمِ شَدَهْ، اَزْ أَنَانِ دَرِ اَنْدِيْشَهْ وَ بَرَحْدَرِ بَاشِيْد، (اين تبليغات) بر ايمان‌شان بيفزود و گفتند: تنها خدا ما را كفايت كند و او نيكو وكيل و كارسازي است» (آل عمران: ۱۷۳). به گفته برخی مفسران (طباطبایی ۱۳۹۰، ۴: ۶۴؛ مكارم شيرازي ۱۳۷۱، ۳: ۱۷۸)، سرّ افزايش ايمان در اين موقعيت‌هاي اجتماعي سخت، كه اولاً جنگ درگرفته و ثانياً اخبار ناخوشايندي مخابره مي‌شود، اين است كه طبيعت آدمي به هنگام شنيدن نهي از ناحيه كساني كه نسبت به آنها حسن ظن ندارد، در تصميم خود حريص‌تر و مصمم‌تر مي‌شود. گويي نيروهاي خفته‌اش بيدار و تصميمش قوي‌تر مي‌گردد، خصوصاً هنگامي كه خود را در انجام دادن امري محق و سزاوار بدانند. در واقع قرارگيري فرد در چنين شرايط اجتماعي دشواري موجب افزايش ايمان او به هدف و مسير مي‌شود و نيروي او دو چندان مي‌شود.

علاوه بر اين، بر اساس آيه «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا: وَ مَوْمِنَانِ چُونِ لَشْكْرِ وَ نيروهاي كفار را به چشمديدند گفتند: اين همان (جنگي) است كه خدا و رسول (از پيش) ما را وعده دادند و خدا و رسول راست گفتند، و اين ديدار دشمن جز بر ايمان و تسليمشان نيفزود» (احزاب: ۲۲)، اگرچه مؤمنان در موقعيت جنگي حضور دارند، اما يافتن حقايق وعده خدا و رسولش - كه عبارت بود از اتحاد كافرين و مشركان عليه مسلمانان و نيز امتحان و ابتلاي مؤمنان براي رسيدن به رستگاري - ايمان را در وجودشان افزوده است.

همچنين در آيه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ: مَوْمِنَانِ حَقِيْقِيْ اَنَانْدِ كَهْ چُونِ ذِكْرِيْ اَزْ خُدا شُود دَل‌هَاشَانِ تَرَسَانِ وَ لِرْزَانِ شُود وَ چُونِ آيَاتِ خُدا رَا بَرِ اَنَهَا تَلَاوْتِ كُنَنْدِ بَرِ مَقَامِ اِيْمَانِشَانِ بِيْفَزَايِدِ وَ بَهْ خُدايِ خُودِ دَرِ هَرِ كَارِ تَوَكَّلِ مِي‌كُنَنْدِ» (انفال: ۲)، مي‌بينيم كه گوش سپردن به تلاوت قرآن از جمله دلايل ازدياد ايمان در وجود مؤمنان معرفي مي‌شود.

افزون بر اين آيات، كه در آنها به روشني مفهوم «ازدياد ايمان» برداشت مي‌شود، و خود دليلي بر رتبه‌بندی و درجه‌بندی ايمان است، روایات بسیاری نیز بر «تدرج ايمان»

دلالت دارند، به گونه‌ای که «درجات الایمان» بابتی از روایات در کتب حدیثی را تشکیل می‌دهد. در میان این احادیث، روایتی هست که ایمان را دارای هفت سهم، «شامل برّ، صدق، یقین، رضا، وفا، علم و حلم» دانسته و بیان می‌کند که میان مردم به تناسب ظرفیت ایشان تقسیم شده است. در ادامه این روایت، افراد از تحمیل سهم بیشتر بر کسی که گنجایش کمتری دارد نهی می‌شوند (کلینی ۱۴۰۷، ۲: ۴۲؛ حر عاملی ۱۴۰۹، ۱۶: ۱۶۰). چنان که ملاحظه می‌شود، هر یک از سهم‌های ایمان بر بُعد و ساحتی از وجود انسان انطباق می‌یابد: برّ، صدق و وفا اغلب در ساحت عمل (گفتار و رفتار) متجلی می‌شوند؛ یقین، رضا و حلم، اگرچه نتایجی عملی با خود به همراه دارند، به طور مستقیم با ساحت قلب مرتبط‌اند؛ و علم در ساحت معرفت می‌گنجد. وجود مجموعه سهم‌ها در انسان - که بیانگر دستیابی او به ایمان کامل است - همه ابعاد وجودی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علاوه بر این، در روایت دیگری ایمان به نردبانی دارای ده پله تشبیه شده که صعود از پله‌ها و رسیدن به بالاترین درجه ایمان به تدریج و مرتبه‌به‌مرتبه صورت می‌پذیرد. در ادامه این روایت نیز با اشاره به توان و ظرفیت‌های متفاوت افراد، افزون بر نهی از تحمیل بارهای سنگین‌تر بر کسانی که در درجات پایین‌تر ایمان قرار دارند، به دست‌گیری و رفق و نرم‌خویی با آنها برای کمک به بالارفتن از نردبان ایمان اشاره شده است (کلینی ۱۴۰۷، ۲: ۴۵؛ ابن بابویه ۱۳۶۲، ۲: ۴۴۷). روایت دیگری ایمان را برخوردار از هفت درجه و هر فرد را صاحب درجه‌ای دانسته و به عدم تاب‌آوری فردی که در درجه پایین‌تر است از تحمل بار درجه بالاتر تصریح می‌کند (کلینی ۱۴۰۷، ۲: ۴۵؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵، ۲: ۸۵؛ مجلسی ۱۴۰۳، ۶۶: ۱۶۷).

چنان که روشن است، بر مبنای آیات و روایات، می‌توان ایمان را دارای ماهیتی «مدرج» و «ذومراتب» دانست که همین - چنان که خواهد آمد - بر «تفسیرپذیری» آن دلالت می‌کند.

### ۳. تفسیرپذیری ایمان

استقرار هر فرد در منزلی از منازل ایمان، یا دستیابی او به درجه خاصی از ایمان، او را از درک، برداشت و تفسیر ویژه‌ای از ایمان بهره‌مند می‌سازد. این تفسیر که اغلب در سه حوزه اخلاق، رفتار و عقیده متجلی می‌گردد (فیض کاشانی ۱۴۰۶، ۴: ۱۲۹) با میزان ظرفیت و استعداد افراد رابطه‌ای مستقیم دارد (مجلسی ۱۴۰۴، ۷: ۲۷۳). تأکید روایات

فوق بر توجه به قابلیت‌های متفاوت افراد و نهی از تحمیل باری بیش از گنجایش آنها، حکایت از آن دارد که افراد جامعه باید در جهت پذیرش تفاوت ظرفیت‌های ایمانی یکدیگر تلاش کنند و دیگران را به دلیل ارائه برداشت و تفسیری متفاوت از برداشت خویش از ایمان و از دایره اجتماع مؤمنانه بیرون نرانند. در روایت زیر به این موضوع تصریح شده است:

خادم امام صادق (ع) برای انجام دادن کاری به میان عده‌ای رفته بود، که پس از بازگشت علاوه بر ارائه گزارش کار خود مطالبی را درباره ایشان بیان می‌کند. راوی بنا بر مشاهدات خود، میان خود و آنها - در عقیده یا عمل - فاصله می‌بیند و احساس بیزاری می‌کند. هنگام نقل این مطلب خدمت امام، حضرت او را متوجه تفاوت خود (امام) و او (راوی) در عقاید و همچنین تفاوت میان آنچه نزد خداست و دریافت معصومین (ع) می‌سازد و وجود چنین تفاوت‌هایی را با فرض داشتن ولایت و حبّ اهل بیت دلیلی بر بیزاری جستن مؤمنان از یکدیگر نمی‌داند (کلینی ۱۴۰۷، ۲: ۴۳).

این مطلب بیانگر آن است که سطوح مختلف معرفتی، که اغلب با فرهنگ دینداری افراد در ارتباط است، و خود در شکل‌گیری ظرفیت‌های ایمانی افراد نیز نقش بسزایی دارد، منجر به ارائه رفتارهایی برخاسته از تفاسیر و معانی گوناگونی از ایمان می‌شود. این نکته‌ای است که در ادامه همین روایت بدان پرداخته شده و طی آن، حضرت هر یک از افراد را داری «سهم خاصی» از «فهم و معرفت و عمل» معرفی می‌کند (مجلسی ۱۴۰۴، ۷: ۲۷۶) و به عدم شایستگی تحمیل تکالیف صاحب سهم بیشتر بر صاحب سهم کمتر تأکید می‌فرماید.

#### ۴. حقانیت یا معذرت در تفسیر ایمان

آنچه از مضامین روایی فوق برداشت می‌شود توصیه به پذیرش و تحمل افراد در درجات متفاوت ایمان و درک وجود تفاسیر مختلف از ایمان به دلیل تدرج ماهیت آن در میان اعضای جامعه است. این پذیرش و تحمل به زیستی مسالمت‌آمیز، به دور از خشونت و آکنده از روحیه برادری میان افراد منتهی خواهد شد. اما در این میان «مسامحه‌گری» و تمایل به سوی تکثرگرایی در حقانیت و نسبی‌گرایی آسیبی جدی است که می‌تواند بنیان‌های اعتقادی و دینی را سست و افراد را از حرکت در صراط مستقیم بازدارد. زیرا ممکن است تعبیر «تحمل تفاسیر» گوناگون ایمانی در جامعه به «حقانیت و صحت» همگی این تفاسیر ارتباط یابد. از این رو تبیین دو سطح از مسئله لازم می‌نماید. اگرچه

روایات بر «تحمل» افراد دارای برداشت‌های متفاوت از ایمان تصریح دارند و در عین حال - چنان که بیان شد- بر دستگیری و یاری آنان در جهت صعود از پله‌های ایمان نیز تأکید می‌ورزند، اما درک تفاوت درجات مؤمنان لزوماً بر حقانیت این مراتب دلالت ندارد. به نظر می‌رسد این اتفاق از باب «معدّرت» افراد مورد پذیرش قرار گرفته است. در این معنا، افرادی با قابلیت و استعداد پایین‌تر تکلیفی بیش از آن ندارند و به اندازه فهمشان نیز مورد جزا قرار می‌گیرند، چنان که در روایتی به این موضوع پرداخته شده است: «خداوند در روز قیامت در حساب بندگان به اندازه عقلی که به آنها در دنیا داده دقت و سختگیری می‌کند» (برقی ۱۳۷۱، ۱: ۱۹۵)؛ و این مسئله متمایز از صحت و حقانیت همه این دریافت‌ها و برداشت‌ها است.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس شواهد و مستندات ارائه‌شده، از نگاه آموزه‌های دینی، ایمان امری ذومراتب و مدرج است، و هر فرد مؤمن بر حسب ظرفیت و استعداد خود از درجه‌ای از ایمان برخوردار است. برخورداری افراد از درجات گوناگون ایمان به ارائه برداشت‌ها و تفاسیر متفاوتی از ایمان منتهی می‌شود. زیرا هر فرد بر مبنای گنجایش عقلی یا معرفتی خود ایمان را به گونه‌ای می‌فهمد و معنا می‌کند. در این صورت، ساحت عمل و اخلاق و عقاید او نیز بر اساس درک و برداشتی که داشته تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همین امر به بروز و ظهور رفتارهایی متفاوت از افراد منجر می‌شود، به گونه‌ای که برخی را در پای‌بندی به قوانین یا عقاید دینی مصمم‌تر از عده‌ای دیگر نشان می‌دهد.

آنچه پس از تبیین درجات ایمان و برخورداری هر فرد از درجه خاصی از آن در روایات مطرح می‌شود تأکیدی با بیان‌های متعدد بر تحمل و پذیرش افراد دارای درجات و تفاسیر مختلف ایمانی و نهی از تحمیل باری بیش از طاقت آنها بر دوششان و نیز یاری‌رسانی به آنها در مسیر صعود از پله‌های ایمان است. این دقیقاً نقطه‌ای است که می‌تواند ارتباطی روشن میان الهیات عملی و بحث حاضر ایجاد کند. الهیات عملی به تحلیل و تفسیر الهیاتی از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و سپس با نگرشی انتقادی به آسیب‌های ایمانی و دینی در فرهنگ موجود می‌نگرد و به منظور گشودن راه زندگی ایمانی برای مؤمنان (و نیز حل معضلات زندگی انسان غیرمؤمن) به طرح پیشنهادهایی برخاسته از منابع الهیاتی می‌پردازد (بابایی ۱۳۹۰، ۱۱۶). در همین چارچوب، نگرش دینی مورد بحث در این مقاله، راجع به تفسیرپذیری ایمان، نیز می‌تواند

به تقویت روحیه برادری و اخوت در جامعه یاری برساند، به همبستگی و اتحاد بیشتر میان افراد کمک کند و از بروز اختلافات مبتنی بر تفاوت برداشت از ایمان جلوگیری به عمل آورد.

### کتاب‌نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۶۳. الخصال. تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین بابایی، حبيب اله. ۱۳۹۰. «درآمدی بر الهیات عملی در اندیشه دینی مدرن». نقد و نظر ۱۶: ۱۰۹-۱۳۵.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ ق. المحاسن. تحقیق جلال الدین محدث. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ ق. وسائل الشیعه. تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام. قم: مطبایبی، محمدحسین. ۱۳۹۰ ق. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فیض کاشانی، محمد محسن. ۱۴۱۵ ق. تفسیر الصافی. تحقیق حسین اعلمی. تهران: مکتبه الصدر.
- فیض کاشانی، محمد محسن. ۱۴۰۶ ق. الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ ق. الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۴۰۳ ق. بحار الانوار. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۴۰۴ ق. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.